

مجلس سیزدهم: تهمت

محمد کاظم کربیی*

اشاره

زبان، از برترین نعمت‌های الهی در وجود انسان، و از وجوه تمایز او از دیگر مخلوقات است. با وجود این، از آسیب‌های مرتبط با زبان که موجب تهدید حرمت انسانی توسط انسان‌ها می‌گردد، سه گناه: تهمت، غیبت و فحاشی است که به طور گسترده، دامن‌گیر همه قشرهای گوناگون جامعه است. متأسفانه، به‌رغم تحریم آنها در آموزه‌های اسلامی و وعده عقوبت اخروی بر آنها، برخی مرتکب این گناهان می‌شوند. تهمت، به طور خاص، از زمره گناهانی است که شعاع تخریبی بسیار عمیق و گسترده‌ای دارد و با حرمت انسانی در تعارض آشکار است.

جایگاه انسان

برخلاف اندیشه غربی که با ترویج اومانیزم (humanism) تلاش می‌کند تا انسان را در محور هستی قرار دهد، اندیشه اسلامی در تلاش است تا انسان در جایگاه واقعی خویش در عالم هستی قرار گیرد. طبق اندیشه اسلامی، انسان دارای مقام کرامت است و همه تلاش انبیای الهی در خدمت انسان به کار گرفته شده تا این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مراتب فوق طبیعت تعالی بخشند.^۱ این منزلت، در ابعاد گوناگون حیات انسانی جریان دارد و با مراجعه به تعالیم اسلامی زوایای آن نمایان می‌گردد؛ از جمله، به لحاظ خلقت، انسان یکی از بهترین مخلوقات خداوند است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛^۲ به لحاظ

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۴.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۰.

ارتباط با خدای متعال، حامل روح الهی است: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛^۱ به لحاظ منزلت نزد خداوند، دارای عقل به عنوان اولین و ارزشمندترین مخلوق الهی است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ»؛^۲ به لحاظ اجتماعی، بر آوردن نیازهایش سفارش شده است: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ مِنْ ذَلِكَ أَوْلَاهَا الْجَنَّةُ»^۳ و به لحاظ حقوق فردی، مال، جان و عرض او دارای حرمت است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۴ و یا در روایت آمده است: «وَرُحْمَةٌ مَالِهِ كُرْمَةٌ دَمِهِ»^۵.

بنابراین این معاصی (تهمت، غیبت و فحاشی)، همچنان در وجود انسان‌ها شعله‌ور است. اگر انسان در جامعه‌ای محترم گردید، او را به کار نکرده متهم ساختن، بی‌ادبی است؛ بدگویی در غیاب او، زشت و نکوهیده است و زبان به ناروا گشودن در حق او، غیرانسانی است. پُر واضح است که مقاومت در پذیرش دعوت حق و فروگذاری فرمان او، به معنای اجابت دعوت شیطان است که به تعبیر قرآن کریم، دشمن اصلی انسان است^۶ و شگفتا که اصرار داریم چنین دشمنی را به دوستی برگزینیم. به گفته شاعر:

کجا سر بر آریم ازین عار و ننگ
که با او به صلحیم و با حق به جنگ؟^۷

تعریف تهمت

تهمت در لغت، به معنای دروغ بستن، بهتان، افترا، گمان بد و نسبت گناه و عیب به کسی دادن است^۸ و در اصطلاح، عبارت از نسبت دروغ به دیگران دادن است؛ یعنی چیزی که کسی انجام نداده و در او نیست، به وی نسبت داده شود.^۹

سه واژه تهمت، افترا و بهتان، واژه‌هایی قریب به هم و در معنای نسبت دروغ و عمل بد به کسی

۱. سوره حجر، آیه ۲۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱.

۳. همان.

۴. سوره مائده، آیه ۳۲.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۰.

۶. سوره یس، آیه ۶۰.

۷. سعدی، بوستان، باب نهم، در توبه و راه صواب. بیت ۳۷۷۴.

۸. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۲۹۰.

۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۱.

دادن به کار می‌روند.^۱ بهتان از ریشه «بهت»، به معنای امری است که مورد تحیر، درماندگی و مبهوت شدن شخص می‌شود؛^۲ یعنی وقتی شخص از دیگری سخنی ناروا می‌شنود، مبهوت می‌شود و در تحیر قرار می‌گیرد؛ به طوری که انتظار شنیدن این سخن ناروا را نداشته است و برای او ناگهانی بوده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْغَيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنَّ مِنَ الْبُهْتَانِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ»^۳ غیبت، این است که درباره برادر دینی ات چیزی بگویی که خداوند پنهان داشته است و تهمت، این است که چیزی که در برادرت نیست، به او نسبت بدهی.»

در قرآن کریم، واژه تهمت و اتهام به کار نرفته است؛ اما واژه «بهت»، «بهتان» و «افترا» متعدد استفاده شده است؛ مانند: «وَيَكْفُرْهُمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا»^۴ و به سبب کفرشان و آن تهمت بزرگ که به مریم زدند.» و «أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ»^۵ آیا او (پیامبر) بر خدا دروغ بسته یا به نوعی جنون گرفتار است؟» افزون بر این، قرآن کریم از بهتان به گناه آشکار تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُنَّ فَحَمَلْنَ الْبُهْتَانَ وَإِثْمًا مُّبِينًا»^۶ آنها که مردان و زنان باایمان را بدون تقصیر و گناه آزار می‌دهند [و چیزی را که انجام نداده‌اند، به آنها نسبت می‌دهند]، متحمل بهتان و گناه آشکاری شده‌اند.»

علل و زمینه‌ها

۱. ضعف باورهای دینی

توجه عمیق به دلایل وقوع بخش کثیری از ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی در جامعه امروز، از وجود برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها در باورهای دینی اعضای جامعه حکایت دارد؛ به‌ویژه

۱. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۳۱۲، ۶۶۱ و ۱۱۷۴.

۲. همان، ص ۶۶۱.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۴. سوره نساء، آیه ۱۵۶.

۵. سوره سبأ، آیه ۸.

۶. سوره احزاب، آیه ۵۸.

گسترش موج‌تهمت‌زنی به افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در فضای مجازی، بر اهمیت توجه به این امر می‌افزاید. رواج این قبیل رفتارها در فضای مجازی، هرچند در تعامل سیاست و روان‌شناسی با عناوینی چون تشقی و تخلیه خشم توجیه می‌شود، اما واقعیت آن است که رفتارهای این‌چنینی، دلایل و انگیزه‌هایی فراتر طلب می‌کنند و بیش از همه، به ضعف باورهای دینی و کاستی در فراگیری مهارت‌های زندگی سالم در جامعه اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ»^۱ بهتان و تهمت‌زدن به انسان بی‌گناه، سنگین‌تر از کوه‌های استوار است. «به تعبیر بزرگان، کوه استوار با زلزله‌های شدید هم تکان نمی‌خورد؛ اما تهمت آن‌قدر سنگین است که به تعبیری، کوه باعظمت و استوار را هم می‌لرزاند و نمی‌تواند بار این گناه کبیره را تحمل کند. بنابراین، انسان باید خیلی مواظب گفتار و رفتار خود باشد.»^۲

۲. عدم شناخت مقام انسان

انسان نزد خداوند، عزیز و دارای کرامت است. به دلیل همین منزلت و کرامت است که از نفخه وجودی خود بهره‌هایی در نهاد او قرار داده است و او را به داشتن روح، نفس، عقل، اراده و شعور مفتخر گردانیده است. اگر انسان به واسطه چنین موهبت‌هایی نزد خداوند صاحب حرمت گردیده است، بندگان نیز باید به تبع تکریم الهی برای او، یکدیگر را تکریم نمایند. کسی که حرمت بندگان خدا را نگه نمی‌دارد، به واقع، مقام انسانیت را نشناخته است. آنکه بدون دلیل در فضای مجازی یا واقعی به انسان‌های دیگر تهمت‌های ناروا می‌زند یا انتشار می‌دهد و باعث بی‌آبرویی بنده‌ای از بندگان خدا می‌شود، نه خود را شناخته و نه مقام انسانیت را درک کرده است. کرامت انسانی اقتضا می‌کند که خود به دیگری تهمت نزند و از سوی دیگران نیز مورد تهمت واقع نشود.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «خداوند عزیز و گرامی، مؤمن را از عظمت، جلال و قدرت خویش آفریده است. پس، کسی که بر او طعنه زند یا سخنش را پس زند، گویا از خداوند روی

۱. شیخ صدوق، الأملی، ص ۲۴۵.

۲. درس اخلاق آیت‌الله روح‌الله قرهی، خبرگزاری فارس، تاریخ: ۱۳۹۰/۸/۳، کد خبر: ۹۰۰۳۰۸۴۲۹، نشانی: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=9003080429>.

گردانده است. «^۱ همچنین، امام باقر علیه السلام فرمود: «چون پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را به آسمان بردند، عرض کرد: پروردگارا! حال مؤمن نزد تو چگونه است؟ فرمود: «يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَأَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي»^۲ ای محمد! هرکه به دوستی از من اهانت کند، آشکارا به جنگ من آمده و من به یاری دوستانم از هر چیز شتابان ترم.»

آثار و پیامدها

۱. حرمت شکنی

یکی از گناهانی که به طور خاص حریم و حرمت انسانی را هدف قرار می دهد و تجاوز آشکار به حقوق انسان ها تلقی می شود، تهمت است. تهمت، باعث می شود علقه های اجتماعی و عاطفی اعضای جامعه به یکدیگر گسسته شود و به همین دلیل، هیچ چیز به اندازه تهمت انسان ها را از هم دور نمی سازد و چنان تیری است که قلب فرد مورد اتهام را می شکافد و برای همیشه آن را جریحه دار می سازد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ اتَّهَمَ أَخَاهُ فِي دِينِهِ فَلَا حُرْمَةَ بَيْنَهُمَا»^۳ کسی که به برادر دینی خود تهمت بزند، حرمتی بینشان باقی نمی گذارد.»

متأسفانه، امروزه حرمت انسان ها در جامعه نادیده گرفته می شود و انواع تهمت به شدت رواج پیدا کرده است؛ به گونه ای که این معصیت به نوعی ارزش تبدیل شده است؛ در حالی که تهمت حد و مجازات معلومی داشته، در فقه احکام خود را دارد. شدت قبح تهمت، از آن جهت است که تهمت به خودی خود مشتمل بر چند گناه است: نخست اینکه دروغ است؛ چون نسبت ناروا به دیگری می دهد. دوم، غیبت است؛ زیرا او را به چیزی متصف می سازد که راضی نیست. سوم، انسان بی گناهی متهم گردیده و آبرویش می رود. بنابراین، کسی که تهمت می زند، بار گناهش بسیار سنگین است و عذاب دردناکی در انتظار او خواهد بود.

۲. محو ایمان و عذاب الهی

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ اثْمًا الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَثْمُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ»^۴

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۴۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. همان، ص ۳۶۱.

۴. همان.

کسی که برادر مؤمن خود را متهم کند، ایمان از دل او محو می‌شود؛ همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود.» پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرمود: «کسی که به مرد یا زن باایمان بهتان بزند یا درباره او چیزی بگوید که در او نیست، خداوند در روز قیامت او را بر کوهی از آتش قرار می‌دهد تا از مسئولیت گفتارش بیرون آید.»^۱

از این رو، از نگاه اسلام بیان هر سخن یا دادن نسبت نادرست یا صفت ناروا به دیگری، عملی ضد اخلاقی و گناهی نابخشودنی است و در مواردی ممکن است جنبه قانونی پیدا کند و تبعات حقوقی و کیفری به دنبال داشته باشد.

یکی از بسترهای تأثیرگذار در رواج و گسترش انواع تهمت در جامعه امروز، فضای مجازی است و در واقع، بسیاری از تهمت‌ها در این فضا رخ می‌دهد. برخی ممکن است تهمت‌زدن به اشخاص و اطرافیان خود را جایز ندانند؛ اما از تهمت‌زدن به مسئولان و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ابایی نداشته باشند؛ حال آنکه گناه آن در مقیاس خود بیشتر است. متأسفانه، امروزه استفاده از رسانه‌های گوناگون برای تهمت به دیگران، امری عادی تلقی شده است و قبح آن از بین رفته است. بدیهی است که هرچه گستره تهمت بیشتر باشد، گناه آن نیز سنگین‌تر است؛ چراکه حتی از نظر قوانین کیفری نیز طرح موضوع اهانت‌آمیز در یک محفل خصوصی یا جمع اندک، با طرح آن در اینترنت یا شبکه‌های مجازی متفاوت است.

۳. اعتمادزدایی

عدم پای‌بندی اعضای جامعه به اصول و ارزش‌های اخلاقی که در متن دین به آنها تصریح گردیده، موجب سست‌شدن پایه‌های اخلاقی جامعه می‌گردد. در چنین شرایطی، افراد، بی‌پروا به یکدیگر نسبت‌های ناروا می‌دهند و مانعی برای اعمال و رفتارهای خود نمی‌بینند. رواج تهمت در جامعه می‌تواند به تدریج اعتماد عمومی اعضای جامعه را به یکدیگر کاهش دهد، هرج‌ومرج را افزایش دهد و بذر کینه و عداوت را بین مردمان بکارد.

۴. ایجاد اختلاف

یکی از پیامدهای تهمت‌زنی، بروز اختلاف و دودستگی میان زن و شوهر است که سرانجام به طلاق منجر می‌گردد. زن پنجاه‌ساله‌ای بعد از سی سال زندگی مشترک، از شوهرش شکایت

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۳۲.

کرد. او ادعا کرد: «شوهرم که ده سال از من بزرگ‌تر است، فقط به خاطر ثروت پدرم به خواستگاری ام آمد و با مهریه ۲۵۰ سکه‌ای مرا عقد کرد؛ ولی حالا با داشتن یک دختر و پسر جوان، به من تهمت زده است. همه سختی‌های زندگی را به خاطر دختر و پسرم تحمل کردم و حرفی نزد؛ تا اینکه چند وقت پیش، وقتی بار دیگر با شوهرم درگیر شدم، او به من تهمت زد. حرفی که شوهرم به من زده است، باعث شده جلوی بچه‌هایم بی‌آبرو شوم. دیگر تحمل زندگی با این مرد را ندارم و می‌خواهم از او طلاق بگیرم.»^۱

همچنین، تهمت موجب دور شدن مؤمنان از یکدیگر و عمیق شدن اختلاف بین آنها می‌گردد. به دلیل همین آثار اجتماعی است که در قانون مجازات اسلامی، تهمت و نسبت ناروا به اشخاص، گروه‌ها و اقوام، موجب پیگرد قانونی و حقوقی است و در صورتی که موارد اتهامی اثبات نگردد، شامل برخورد قانونی خواهد شد. بر این اساس، طبق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر کند که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت کند، جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.»^۲

شیوه‌های برخورد با تهمت

۱. افزایش قدرت تحمل

همان‌گونه که برخی نامالایمات و سختی‌ها در زندگی گاه اسباب رشد و شکوفایی انسان را فراهم می‌سازند، برخی دیگر از سختی‌های مرتبط با زیست اجتماعی را نیز می‌توان با نگاه وسیع‌تری نگریست و از آنها به عنوان یک فرصت برای رشد شخصیت و آمادگی برای حضور مؤثرتر در صحنه‌های اثرگذار اجتماعی تلقی کرد. مردان بلندهمت روزگار، نباید در برابر سیل‌های بنیان‌کن زندگی با اندک سختی تسلیم شوند. گذشته از اینکه قوام و دوام حیات اجتماعی، مستلزم فداکاری و از خودگذشتگی انسان‌های صاحب اراده است که با تلخ‌کامی‌های روزگار خو

۱. پایگاه خبری - تحلیلی تابناک، تاریخ ۱۳۹۰/۲/۵، کد خبر: ۱۶۰۸۱۴، نشانی:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/160814>.

۲. جهانگیر منصور، مجموعه قوانین و مقررات جزایی، ج ۱، ص ۵۴۷.

گرفته‌اند و در برابر طعنه دیگران و اتهام تهمت‌زنندگان، نه تنها دامن خود را به مقابله آلوده نمی‌کنند، بلکه با شکیبایی هرچه تمام، از آنها چشم‌پوشی می‌نمایند. چنین انسان‌هایی، به واقع، مصداق آیات متعدد قرآن کریم‌اند که: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ؛^۱ آنان که خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم در می‌گذرند.» و «وَلْيُغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟^۲ باید عفو کنند و چشم‌پوشند. آیا دوست نمی‌دارید که خداوند شما را ببخشد.»

با لحاظ همین نکته است که امام خمینی علیه‌السلام فرزندش را به شکیبایی در برابر اقترای مخالفان توصیه می‌کنند:

«... و اگر به حق تعالی ایمان داشته باشی و به حکمت و رحمت بی‌پایان او اعتماد کنی و بخواهی این تهمت‌ها، افتراها و آزارهای بی‌پایان را تحفه‌ای از دوست برای سرکوب نفسانیت خود بدانی، خواهی فهمید که آنها ابتلا و امتحانی الهی است برای خالص کردن بندگان خود.»^۳

امیر مؤمنان علیه‌السلام باخبر شد که مردی به قنبر جسارت کرد و قنبر درصدد تلافی است. امام او را طلبید و فرمود: «آرام باش ای قنبر! به کسی که به تو توهین کرده، اهانت نکن که با این کار، خدا را از خود راضی خواهی کرد و شیطان را به غضب خواهی آورد و دشمنت را نیز با گذشت خود، کیفر خواهی داد. پس به آن خدایی که دانه را در زمین شکافت و انسان را خلق نمود، هیچ‌گاه مؤمنی نمی‌تواند خدای را آن‌گونه راضی نماید که با حلم می‌تواند، و نمی‌تواند شیطان را آن‌طور به غضب آورد که با صمت و سکوت به غضب می‌آورد، و نمی‌تواند نادان را عقوبت کند؛ آن‌طور که با سکوت او را عقوبت می‌کند.»^۴

۲. قرارنگرفتن در موضع تهمت

در جامعه اسلامی، رابطه بین انسان‌ها بر خوش‌بینی به یکدیگر و عدم سوءظن استوار است؛ اما انسان در زندگی اجتماعی و روابط خود با دیگران، باید به گونه‌ای رفتار کند که خود موجب تعرض و سوءظن دیگران واقع نشود. از این‌رو، یکی از مباحث مهم در زندگی اجتماعی و آداب معاشرت جمعی، پرهیز از قرارنگرفتن در موضع تهمت است. نباید افراد در محیط‌های اجتماعی

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۴.

۲. سوره نور، آیه ۲۲.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۴۲.

۴. مفید، آلامالی، ص ۱۱۸.

به گونه‌ای رفتار کنند که زمینه تعرض دیگران به عرض آنها فراهم گردد. هر مسلمانی وظیفه دارد برای کمک به حفظ سلامت معنوی جامعه، از کارهایی که زمینه بدبینی و بدگمانی دیگران را فراهم می‌سازد، خودداری کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که خودش را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی که به او گمان بد برد، سرزنش کند.»^۱

از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است که صفیه، دختر حنی بن اخطب و همسر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حکایت کرد: وقتی پیغمبر خدا در مسجد معتکف بودند، به دیدن ایشان رفتم و بعد از شام، از پیش آن حضرت روانه منزل شدم. آن حضرت قدری همراه من آمد و تکلم می‌کرد. در این هنگام، شخصی از انصار از آنجا رد شد. حضرت او را صدا کرد و فرمود: «این همسر من، صفیه است.» آن شخص عرض کرد: چه جای این سخن بود؛ حاشا که من به شما ظن بد برم. حضرت فرمود: «شیطان در رگ و خون بنی آدم جا دارد؛ ترسیدم بر تو داخل شود و باعث هلاکت شود.»^۲

مرحوم نراقی می‌نویسد: «این رفتار پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله، دارای دو ارشاد بزرگ برای امت است: نخست اینکه باید نهایت احتراز از گمان بد کرد، و دوم اینکه هرکسی، هرچند مثل پیغمبر خدا باشد، باید خود را از محل تهمت دور نگاه دارد.»^۳

بر این اساس، همان‌طور که تهمت، گناهی نارواست و مؤمنان باید از آن پرهیز کنند؛ اما انسان‌ها نیز باید سعی کنند از انجام رفتار یا عملی که زمینه گناه برادر دینی خود را فراهم می‌سازد، پرهیز کنند. این موضوع، دارای دو نکته مهم است: از یک سو، انسان نباید توجه دیگران را به خودش جلب کند و از این طریق، باعث تحقیر خود میان جامعه اسلامی و برادران دینی گردد، و از سوی دیگر، تا آنجا که ممکن است هرکس باید سعی کند از شیوع گناه در جامعه اسلامی جلوگیری نماید. بنابراین، کسی که خود را در معرض تهمت دیگران قرار می‌دهد، زمینه گناه دیگران را فراهم ساخته است و این، امری مذموم و مصداق مشارکت در گناه است.

۳. توجه به کرامت انسان

از راه‌هایی که برای اجتناب از تهمت می‌تواند مؤثر باشد، توجه به کرامت و منزلت انسانی است.

۱. شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹.

۲. ابوحامد غزالی، احیاء العلوم، ج ۳، ص ۳۱.

۳. ملا احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۲۳۴.

بدیهی است کرامت انسان زمانی تحقق پیدا می‌کند که به مقتضای تکریم الهی، حقوق انسانی او نیز چه از ناحیه خود و چه از ناحیه دیگر اعضای جامعه محترم شمرده شود. اگر فردی مرتکب عملی گردد که با شئون انسانی او ناسازگار است، کرامت او خدشه‌دار می‌شود و اگر انسان‌های دیگر نیز در رفتار با او ملاحظه شئون انسانی او را نداشته باشند، کرامتش آسیب می‌بیند. بنابراین، باید توجه داشت فردی که امروز به سبب تهمت‌زدن ما، مورد تحقیر و آزار قرار می‌گیرد، خود عزیز دیگری است؛ او از یک سو، عزیزکرده خداوند است؛ چون خداوند بندگانش را دوست دارد. از سوی دیگر، او نزد انسان‌هایی از نوع خودمان مانند: پدر، مادر، فرزند، همسر، خواهر، برادر، بستگان و دوستانش عزیز شده است و آزار دادن وی، موجب رنجش آنها می‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَخْدَعُهُ وَ لَا يُظْلِمُهُ وَ لَا يَكْذِبُهُ وَ لَا يَعْتَابُهُ؛ مسلمان، برادر مسلمان است. او چشم، آینه و راهنمای اوست. به این سبب، به او خیانت نمی‌کند، بر او ستم نمی‌نماید، او را تکذیب نمی‌کند و پشت سر او زبان به غیبت نمی‌گشاید.»

نکته مهم و پایانی اینکه از نگاه اسلام، این معصیت، جنبه حق‌الناس دارد و تا زمانی که صاحبان آنها راضی نشوند، از طرف خداوند آمرزیده نمی‌شوند.